

فصل اول:

مقدمه و کلیات تحقیق

مقدمه

فساد مالی که به صورت سوء استفاده از قدرت و امکانات عمومی در راستای کسب نفع شخصی تعریف می شود عارضه ای است چند بعدی که از هزاران سال قبل وجود داشته است. آثار و تبعات منفی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فساد مالی موجب شده است تا اغلب کشورهای جهان، مقابله با این معضل را در برنامه کار دولت های خود قرار دهند. مطالعات متعدد در زمینه فساد، حاکی از آن است که فساد مالی از جهات مختلفی می تواند عایدی حاصل از مالیات را در اقتصادها تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان نمونه، با توجه به اینکه افزایش فساد مالی منجر به کاهش نرخ رشد اقتصادی می شود، درآمد مالیاتی دولت که تابعی از تولید ملی است تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (تانزی¹ 1998). همچنین سطح پایین دستمزدها در بخش عمومی ممکن است زمینه ساز گسترش فساد مالی شود که به نوبه خود عملکرد مدیریت اداره مالیات را در وصول مالیاتها تضعیف می کند. پژوهش حاضر اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی را مورد بررسی قرار می گیرد.

1-1) بیان مسئله

در حال حاضر یکی از مسائل مورد توجه صاحبانظران اقتصادی، فساد مالی و راه های مبارزه با آن می باشد. آثار منفی فساد مالی از طریق کاهش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی موجب می شود تا دریافت های دولت کاهش و به گونهای دگرگون شود که به افزایش کسری بودجه دولت منجر گردد، از سوی دیگر، فساد مالی از طریق ایجاد اختلال در ترکیب مخارج دولت به این کسری دامن می زند. کاهش درآمد ها و همچنین تغییر مخارج دولت موجب میشود تا اثرات منفی فساد بر ثبات اقتصادی تشدید گردد که افزایش بیکاری و تورم، کاهش رشد و گسترش فقر از پیامدهای مهم منفی آن به شمار می آید. بررسی ها نشان می دهد کشورهای که از فساد مالی بالا برخوردارند در ارتباط با تولید ناخالص داخلی به درآمد های کمتری دست می یابند (مارو² 1998). در مطالعات دیگری که درباره فساد مالی و علل آن انجام گرفته است چهار عامل درآمد سرانه، ساختار دولتی، تجارت آزاد و

¹.TANZI
².MAURO

آزادی سیاسی معرفی شده است (روف¹ 2000). از علل فساد مالی می توان به عواملی از جمله پایین بودن دستمزد های بخش دولتی، بالا بودن نرخ های مالیاتی و ضعف در امور تعیین وصول مالیات اشاره کرد.

یکی از حوزه های حساس کانون اصلی فساد مالی، ادارهای گمرک و مالیات میباشد. لذا باید در راهبردهای ملی کنترل فساد مالی تدابیری گنجانیده شود. اغلب چنین خلافهایی را میتوان با دادن آزادی مدیریتی بیشتر به سازمانهای درآمدزا، برای استخدام و اخراج کارکنان و تعیین سطوح پرداخت همراه با بررسی دقیق عملکرد آنها کاهش داد. سیستمهای مدیریت مالی مطلوب، با مهار انحرافات، اقتصاد ارتشاء را محدود میکنند و شرکتهای انگیزهای برای تبانی با مأمور دولتی فاسد برای گریز از مالیات نخواهند داشت (رهبر و همکاران، 1381، ص66). پایان نامه حاضر به لحاظ نظری و کاربردی به بررسی اثر فساد بر درآمدهای مالیاتی دولت می پردازد.

1-2) حدود تحقیق

حدود مکانی پژوهش حاضر کشورهای منتخب در حال توسعه، بلغارستان، کامبوج، شیلی، کلمبیا، کرواتی، مصر، السالوادور، گوآتمالا، مجارستان، هند، ایران، قزاقستان، لاتویا، موریتوس، مولداوی، مراکش، نیکاراگوئه، پاکستان، فیلیپین، لهستان، اسلونی، سریلانکا، تونس، اوگاندا، اوکراین، اوروگوئه، زامبیا میباشد. در این پژوهش جهت بررسی و تحلیل اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی دولت، اطلاعات آماری کشورهای منتخب در حال توسعه طی سال - های (2002-2006) مورد توجه قرار میگیرد. دادههای آماری تحقیق حاضر بر اساس حداکثر اطلاعات موجود، از منابع شاخص توسعه جهانی (WDI)²، 2008، مؤسسه بین المللی شفافیت مالی (TI)³ و گزارش کنترل فساد بانک جهانی (WBC)⁴ استخراج شده است.

1. ROAF

2. WORLD DEVELOPMENT INDICATOR

3. TRANSPARENCY INTERNATIONAL

4. WORLD BANK OF CORRUPTION

3-1) سؤال و فرضیه تحقیق

هدف تحقیق حاضر بررسی اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی دولت در کشورهای منتخب در حال توسعه می باشد. به این منظور مهمترین پرسش تحقیق حاضر عبارت است از:

آیا فساد مالی بر درآمد های مالیاتی دولت اثر دارد؟

بنابراین، فرضیه ی تحقیق به صورت زیر عنوان می شود:

فساد مالی بر درآمد های مالیاتی دولت مؤثر است.

4-1) اهداف تحقیق

هدف تحقیق حاضر، ارائه مفاهیم مالیات و فساد و بررسی اثر فساد مالی بر نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای منتخب در حال توسعه با استفاده از شاخص کنترل فساد (CCI)¹ و شاخص درک فساد مالی (CPI)² می باشد.

5-1) روش انجام تحقیق

روش تحقیق حاضر، روش توصیفی- تحلیلی است. ابتدا دادههای آماری مورد نیاز عوامل مؤثر اقتصادی تعیین کننده درآمدهای مالیاتی به همراه شاخصهای اندازهگیری فساد مالی جمعآوری میشود. سپس با استفاده از روش اقتصادسنجی داده های تابلویی³، الگوهای مورد نظر پژوهش برآورد و به آزمون فرضیه پرداخته میشود.

6-1) محدودیت و موانع تحقیق

مانند سایر مطالعات حوزههای گوناگون اقتصاد، این مطالعه نیز با محدودیت دادههای آماری متغیرهای مورد مطالعه روبرو بوده که میتوان به نبود اطلاعات کامل در مورد مالیات بر تجارت در کشورهای منتخب اشاره نمود.

7-1) ساختار نگارش تحقیق

تحقیق حاضر در پنج فصل نگارش شده است: در فصل اول کلیات تحقیق مرور میشود. در فصل دوم مفاهیم، مبانی نظری و

¹.CONTROL OF CORRUPTION INDEX

².CORRUPTION PERCEPTION INDEX

³.PANEL DATA

مطالعات انجام شده پیرامون موضوع تحقیق ارائه میشود. در فصل سوم به معرفی الگوها و اطلاعات مورد نیاز جمعآوری شده پرداخته میشود. سپس در فصل چهارم تجزیه و تحلیل یافتهها و آزمون فرضیه انجام میگردد. در پایان، فصل پنجم به نتیجه گیری و پیشنهادات اختصاص مییابد.

فصل دوم :

ادبیات موضوع

فصل دوم: ادبیات موضوع

مقدمه

در سالهای اخیر، و به خصوص در دهه 1990، معضل بزرگی به عنوان فساد مورد توجه همگان قرار گرفت. در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، بزرگ یا کوچک، بازارگرا یا غیربازارگرا، فساد مالی موجب شده است که دولت‌ها سقوط کنند، دولتمردان برجسته‌های مانند رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر از سمت‌های رسمی خود برکنار شوند و در برخی موارد حتی طبقات سیاسی جا به جا شود.

روند رو به رشد جهانی شدن، نقش سازمان‌های غیر دولتی از قبیل سازمان بین‌المللی شفافیت در اطلاع‌رسانی در زمینه فساد، توسعه دموکراسی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات آزاد و اینترنت را میتوان از دلایل توجه بیشتر عموم به مسئله فساد در سالهای اخیر دانست.

فساد مالی پدیده جدیدی نیست. دو هزار سال پیش کاتیلیا¹، نخست‌وزیر هند کتابی به نام آرتاشاستارا²، در باب فساد مالی نوشته است. دانتی³ هفت قرن پیش، در آثار خود رشوه‌خواران را در دردناکترین و بدترین محل دوزخ جای داده که نشان

¹.KAUTILYA

².ARTHASHASTRA

³.DANTE

دهنده نفرت و انزجار مردم قرون وسطی نسبت به فساد مالی است. ویلیام شکسپیر نیز فساد مالی را دستمایه اصلی برخی نمایشنامه‌های خود قرار داده است (رهبر و همکاران، 1381، ص 97).

تعریفی که توسط بانک جهانی در ارتباط با فساد مالی مطرح شده به این صورت می‌باشد: سوء استفاده از منصب دولتی به منظور کسب منافع شخصی است. طی سالهای اخیر فساد توجه عموم را به خود جلب کرده است. برای مثال، در 31 دسامبر 1995 هفته-نامه فاینانشیال تایمز¹ در سر مقاله خود، سال 1995 را سال فساد مالی معرفی نموده است. بسیاری از شرکتها و سازمانهای منطقهای و بینالمللی، فساد و حکمرانی ضعیف را به عنوان مانع بزرگی برای سیاستگذاری خوب میدانند. سازمان مدیریت مالیاتی یکی از حوزههایی است که درگیر فساد مالی می‌باشد. پیچیده بودن قوانین و مقررات مالیاتی و وجود ارتباط مستقیم و گسترده میان بازرس مالیاتی و مؤدی مالیاتی عمده ترین دلایل گسترش این پدیده می‌باشد که موجب کاهش نسبت درآمد-های مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و در نتیجه کاهش درآمد دولت میشود و در نهایت به کاهش رشد اقتصادی کشورها می-انجامد (گورا 1998، تانزی و داوودی 2000)².

حضور فساد مالی موجب میشود تا فرار مالیاتی افزایش یابد و هزینه‌های جمع‌آوری مالیات بیشتر شود. از طرف دیگر کنترل جریان سرمایه، از طریق کاهش بازدهی سرمایه‌گذاری خصوصی، مالیات-های ضمنی برای دولت ایجاد میکند (بای و وایی³، 2000). وجود فساد در حوزه مالیات، امور اقتصادی را مختل می‌سازد. برخی شرکتها با پرداخت رشوه تلاش میکنند تا وضعیت خود را تثبیت کنند، در حالی که تحقق ثبات و امنیت آنها به هیچ وجه امکان پذیر نیست، زیرا انجام معاملات غیر قانونی ضمانت اجرایی ندارد. یکی از آثار کوتاهمدت پرداخت رشوه، افزایش بهره‌وری در نظام مالیاتی یا تنظیم و نظارت مؤثر در امور اقتصادی است. چنانچه به این قضیه نیز به صورت اصولی توجه شود، مشکلات زیادی که به بار خواهد آورد قابل شناسایی است. شرکت-هایی که با هدف تثبیت امنیت خود رشوه پرداخت میکنند در واقع زمینه تغییرات وسیعی را در مجموعه‌های خود فراهم کرده اند (رهبر و همکاران، 1381، ص 188).

¹. FINANCIAL TIMES

². GHURA 1998, TANZI & DAVOODI 2000

³. WEI & BAI 2000

2-1) مالیاتها

در هر نظام اقتصادی، مالیات یکی از مهمترین ارکان آن نظام تلقی میشود. گسترش فعالیتهای اقتصادی متنوع از یک سو و نقش رو به افزایش دولتها از سوی دیگر¹، پرداخت و دریافت مالیات را به مسائلهای مهم و تأثیرگذار تبدیل نموده است. دولتها با استفاده از این ابزار، توانایی تأمین بخش قابل توجهی از هزینههای مختلف خود را به دست آورده و متناسب با حجم مالیات ستانی، قادر خواهند بود که منابع در اختیار را بر اساس اولویتهای موردنظر تخصیص دهند.

در واقع مالیات عبارت است از قسمتی از دارایی یا درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی که به منظور جبران هزینههای عمومی و حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قانون وصول میشود. مالیاتها ابزار بسیار مهمی در جهت اجرای سیاستهای اقتصادی شناخته میشوند. این ابزار مالی نه تنها متغیرهای کلان اقتصادی مثل ایجاد ثبات اقتصادی، رشد اقتصادی، تورم، بیکاری را تحت تأثیر قرار میدهد، بلکه در تخصیص منابع و توزیع درآمد نیز اثرات بسیار عمده و ماندگاری را به همراه دارد. سهم نسبی مالیاتها از تولید ناخالص ملی نشانهای از اثربخشی سیاستهای مالیاتی در اقتصاد ملی می باشد. افزون بر این، در کشورهای تکمحصولی که تأمین هزینههای دولت، بیشتر متکی به درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی میباشد توجه بیشتر به نقش مالیات در بودجه دولت یک ضرورت مهم محسوب میشود.

2-1-1) انواع مالیات ها

- مالیاتها به دو گروه مالیاتهای مستقیم و مالیاتهای غیرمستقیم تقسیم می شوند. مالیاتی که توسط دولت از مصرف کنندگان کالاها و خدمات از طریق تولیدکنندگان آنها دریافت میشود، مالیاتهای غیر مستقیم مینامند و مالیاتهایی که به طور مستقیم بر افراد، خانوارها و بنگاهها برقرار میشوند، به عنوان مالیاتهای مستقیم معرفی میشوند. به نظر میرسد که در محدودهای، مستقیم و غیرمستقیم بودن مالیات به پرداخت کننده نهایی مالیات مربوط میشود. انواع مهم مالیاتهای مستقیم، مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی، مالیات بر درآمد

¹ نقش رو به افزایش دولتها در جهت ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی و گسترش تعهدات دولت در عرصههای اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد میباشد.

اشخاص حقوقی و مالیات بر ثروت و مالیاتهای غیر مستقیم به مالیات بر کالاها و خدمات داخلی و مالیات بر واردات قابل تفکیک میباشند.

2-1-2) مزایای مالیات

در ادبیات اقتصادی به دولت به عنوان یک عنصر اقتصادی که نماینده جامعه است، نگاه میشود. بنابراین، رفتار دولت نیز دارای اهداف خاص خود است. هدف اصلی دولت به حداکثر رساندن رفاه جامعه میباشد. دولت برای رسیدن به چنین هدفی، اهداف اقتصادی دیگر و یا وظایفی را تحت عنوان تخصیص منابع، توزیع عادلانه درآمد و ثبات اقتصادی بر عهده دارد. تحقق این اهداف و یا وظایف متضمن تقبل هزینههایی از سوی دولت است و پوشش این مخارج نیازمند درآمد میباشد.

براساس منابع و نوشته های مختلف و تجربیات جوامع می توان گفت به دو دلیل زیر مناسب ترین نوع کسب درآمد دولت، از طریق مالیات ها می باشد (تفضلی، 1385):

❖ مؤثرترین ابزار اعمال سیاستهای مالی دولت، مالیات می باشد.

❖ قویترین اهرم جهت انتقال درآمد از گروه پردرآمد به گروه کم درآمد، مالیات می باشد.

بطوری که، دولت ها میتوانند با استفاده از این ابزار مالی مناسب و کارآمد توزیع مجدد درآمد و ایجاد عدالت اجتماعی را تحقق بخشند.

به لحاظ نظری، مالیات بهترین ابزار برای تأمین هزینههای عمومی، باز توزیع درآمد و ثروت، ایجاد انضباط مالی و مدیریت اقتصادی است. تأمین هزینههای دولت از طریق مالیات بیشتر روی ترکیب تقاضا در اقتصاد اثر میگذارد، برخلاف روش هایی چون فروش نفت که سبب افزایش حجم تقاضا میشود. از طرف دیگر، مالیات ابزاری برای تعدیل شکاف درآمد و ثروت میباشد و ابزار مناسبی برای مدیریت اقتصادی به شمار میآید. مالیات میتواند تخصیص منابع را به سمت فعالیتهای مولد سوق دهد و به انضباط مالی و پرهیز از ریخت و پاش منجر شود.

2-1-3 (فرار مالیاتی¹)

فرار مالیاتی یکی از مشکلات نظام مالیاتی است و از مصادیق فساد مالی می‌باشد که موجب تبعیض و بی‌عدالتی می‌شود. با توجه به اینکه مؤدیان مالیاتی با پرداخت مالیات بخشی از درآمد و ثروت خود را از دست می‌دهند و کاهش درآمد و ثروت به معنی کاهش مطلوبیت اشخاص خواهد بود، بنابراین می‌توان انتظار داشت که مردم پرداخت مالیات را امری خوشایند تلقی نکنند و تمایل و انگیزه کمتری برای پرداخت آن از خود نشان دهند. اگر فرد مؤدی تمام و یا بخشی از درآمد خود را از پوشش مالیات پنهان نگه دارد و اظهار نکند، به یک عمل غیرقانونی مبادرت نموده و فرار مالیاتی را انجام داده است.

عواملی از جمله، عدم کارایی نظام مالیاتی، عدم رعایت عدالت مالیاتی، افزایش بی‌رویه نرخهای مالیاتی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی عمده‌ترین عواملی هستند که انگیزه فرار از پرداخت مالیات را در بین مؤدیان تقویت می‌کند. در ادامه به تشریح بعضی از این عوامل پرداخته می‌شود.

یک نظام مالیاتی که مجموعهای از پایهها، نرخها، قوانین و معافیتهای مالیاتی است باید به صورتی طراحی شود که عدالت در آثار توزیعی آن مشاهده شود. از یک نظام مالیاتی مطلوب انتظار می‌رود تا ضمن حفظ کارایی در تعیین پایهها و نرخهای مالیاتی، در جهت بهبود توزیع درآمد، عدالت در وضع مالیات را به صورت مؤثر رعایت نماید. حال اگر در یک نظام مالیاتی نرخهای مالیاتی خلاف هدف فوق عمل کنند نتیجه، افزایش نابرابری توزیع درآمد خواهد بود و سهم مالیات گروههای کم درآمد بیشتر از سهم گروههای پر درآمد می‌شود. بنابراین وجود بی‌عدالتی در وضع مالیات انگیزه فرار از پرداخت مالیات را تقویت خواهد نمود.

نرخهای بالای مالیاتی، عامل دیگری است که انگیزه فرار از پرداخت مالیات را در بین مؤدیان افزایش می‌دهد به همین دلیل تلاش می‌شود تا با گسترش پایه مالیاتی و کاهش نرخ مالیات به یک سطح معینی از درآمد مالیاتی دست یافت (پژویان، 1386، ص123).

2-2 (شاخصهای منتخب مالیاتی²)

¹ .TAX EVASION

² . صبری بقایی و محمد زاده اصل (1379)

شاخصهای منتخب مالیاتی به شرح زیر میباشند:

➤ اولین و مهمترین شاخص، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی (درصد) است که توان مالیاتی یک کشور را نشان میدهد. شاخصه اصلی یک نظام مالیاتی کارا، بالا بودن سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی است، لذا سیستم مالیاتی بایستی طوری عمل کند که در جهت گسترش پایه مالیاتی حرکت نماید و این امر نیز از طریق حذف معافیتهای مالیاتی و وصول به موقع درآمدهای مالیاتی، به وسیله کوتاه نمودن دورههای مالیاتی محقق می-شود.

افزایش درآمدهای مالیاتی نیازمند تلاش مالیاتی بیشتر است. در ادبیات اقتصاد بخش عمومی تلاش مالیاتی شاخص عملکردی است که میزان تلاش دولت را در جهت افزایش درآمدهای مالیاتی بیان میکند. این شاخص از طریق نسبت درآمدهای مالیاتی وصول شده به ظرفیت مالیاتی به دست میآید. به عبارت دیگر این شاخص نشان میدهد تا چه اندازه دولت از ظرفیت مالیاتی موجود جامعه بهرهبرداری میکند. براساس نظریه های اقتصادی یکی از ویژگیهای اقتصاد سالم و در عین حال یکی از شرایط مؤثر و کارآمد بودن سیاستهای مالی، اتکای بسیار زیاد منابع درآمدی دولت به درآمدهای مالیاتی میباشد. در کشور ایران به دلیل اتکای زیاد دولت به منابع هیدروکربنی (نفت و گاز)، سهم نسبی مالیاتها در تولید ناخالص داخلی پایین میباشد و مقدار درآمد حاصل از آن در قیاس با تولید ناخالص داخلی در حدی نیست که دولت از آن به عنوان ابزار مؤثری برای کنترل و هدایت نظام اقتصادی بهره بگیرد. دلایل زیادی برای پایین بودن این نسبت در کشور مطرح میشود که برخی از آنها عبارتاند از: حجم قابل توجه فعالیتهای اقتصاد زیرزمینی، ضعف فرهنگ مالیاتی، معافیتهای نامناسب مالیاتی، تورم بالا، وجود ابهام و پیچیدگی در قوانین و مقررات مالیاتی، عدم وصول به موقع مالیاتها و ضعف در سیستم مدیریت مالیاتها (صبری بقایی و محمدزاده اصل، 1379).

➤ شاخص نسبت درآمدهای مالیاتی به کل درآمدهای دولت یکی از شاخصهای منتخب میباشد که برای سنجش ساختار مالیاتی کشورها به کار میرود. این شاخص در اغلب کشورهای در حال توسعه از جمله ایران پایین میباشد که نمایانگر ساختار

- نامطلوب مالیاتی این کشورها است. علت پایین بودن این نسبت در کشور به واسطه وجود منابع سرشار نفت و ارز حاصل از صادرات آن میباشد که عمدهترین منبع تأمین کننده هزینههای دولت است به همین دلیل در کشور، مالیات جایگاه اصلی خود را در میان منابع تأمین مالی دولت پیدا نکرده و نتوانسته است نقش اساسی در تأمین هزینه های دولت ایفا کند. بر این اساس دولت نمیتواند از مالیات به عنوان یک ابزار مؤثر برای کنترل و هدایت نظام اقتصادی از طریق اتخاذ سیاستهای مالی مناسب بهره گرفته و با استفاده از آن بتواند با نوسانهای اقتصادی مقابله کند.

➤ شاخص دیگر، نسبت مالیات مستقیم به کل درآمدهای مالیاتی است که به نوعی نشاندهنده توان دولت در شناخت

1385	1384	1383	1382	1381	عنوان
------	------	------	------	------	-------

- مؤدیان مالیاتی و شکلگیری ساختار و سیستم مطمئن و مناسب مالیاتی در یک کشور است که وصول درآمدهای مالیاتی دولت را در بودجهریزی تضمین میکند. این نسبت برای کشورهایی که از ثبات و گستردگی بیشتری در فعالیت های اقتصادی بالاتری برخوردارند، بیش از 60 درصد است. متوسط این شاخص در کشور کمتر از 60 درصد میباشد.
- نسبت درآمدهای مالیاتی به هزینههای جاری دولت یکی از شاخصهایی میباشد که نشاندهنده کارایی سیاستهای مالی و نظام مالیاتی است. در واقع این شاخص منعکس میکند که در کنار هزینههای عمرانی، دولت چند درصد از هزینههای جاری خود را از محل درآمدهای غیر مالیاتی که به طور عمده درآمدهای نفتی میباشد، تأمین میکند. به عبارتی این نسبت بیان میکند که درآمدهای مالیاتی تا چه اندازهی توان تأمین هزینههای جاری دولت را دارند.

3-2) وضع مالی دولت ایران طی سالهای 1385 - 1381

جدول 1-2 وضع مالی دولت در سالهای 1385 - 1381 (میلیارد ریال)

231130.8	200374.9	103587.3	78836.6	61973.9	درآمدها
151620.9	134574.4	84421.1	65099	50586.5	درآمدهای مالیاتی
97691.3	84029.6	41896.9	32033.7	28047.1	مالیات مستقیم
72861.7	64459.9	26027.5	20375.7	17152.3	مالیات اشخاص حقوقی
19451.3	15253.1	11773.3	9008.3	8247.6	مالیات بر درآمد
5378.3	4316.6	4096.1	2649.7	2647.2	مالیات بر ثروت
53929.6	50544.8	42524.2	33065.3	22539.4	مالیات های غیر مستقیم
39806.3	35954.1	33087.3	22400.9	16409.3	مالیات بر واردات
14123.3	14590.7	9437	10664.3	6130.1	مالیات بر کالاها و خدمات
7.598807	7.851609	6.048874	5.897925	5.518011	نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی
0.027214	0.029598	0.030353	0.029873	0.02727	نسبت مالیات غیرمستقیم به تولید ناخالص داخلی
0.046058	0.046384	0.027152	0.026685	0.025025	نسبت مالیات مستقیم به تولید ناخالص داخلی
79509.9	65800.5	19166.2	13737.6	11387.4	سایر درآمدها

مأخذ: گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال 1385 بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

همان طور که در جدول 2-1 مشهود است از مبلغ 151620.9 میلیارد ریال درآمدهای مالیاتی در سال 1385، مبلغ 97691.3 میلیارد ریال آن (0.64 درصد) مربوط به مالیاتهای مستقیم و 53929.6 میلیارد ریال آن (0.35 درصد) مربوط به مالیات های غیر مستقیم میباشد. درآمدهای مالیاتی در سال 1385 نسبت به سال قبل 0.12 درصد رشد داشته است. همانگونه که مشهود است درآمدهای مالیاتی شامل مالیات اشخاص حقوقی، مالیات بر درآمدها، مالیات بر ثروت، مالیات بر واردات و مالیات بر کالاها و خدمات میباشد که بیش ترین سهم، متعلق به مالیات بر اشخاص حقوقی با 0.48 درصد و کمترین سهم متعلق به مالیات بر ثروت با 0.03 درصد سهم از درآمدهای مالیاتی میباشد. همچنین به ترتیب 0.26 و 0.09 درصد، سهم مالیات بر واردات و مالیات بر کالاها و خدمات میباشد. درصد تغییرات مالیاتهای مستقیم و

غیرمستقیم در سال 1385 نسبت به سال 1384 به ترتیب 16.3 و 6.7 درصد میباشد. رشد شاخص درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی طی دوره 5 ساله 37 درصد میباشد که بیشترین سهم آن مربوط به رشد نسبت مالیات مستقیم به تولید ناخالص داخلی است.

2-4) فساد مالی

2-4-1) تعریف فساد مالی

تعریف پدیده فساد مالی و حتی نامگذاری آن، به دلیل تنوع و تکرار فساد مالی در شرایط اقتصادی و اجتماعی متفاوت حاکم و نیز گسترش آن در بخشهای مختلف اقتصادی و اجتماعی، به امری بحثانگیز تبدیل شده است. با وجود تعاریف بیشماری که در متون و مستندات مربوط به فساد مالی به چشم میخورد، گزینش یک تعریف جامع و مانع در این باره چندان آسان نیست. انتخاب مجموعه‌های از تعاریف فساد مالی امری قراردادی است که میتواند به روشهای گوناگون انجام پذیرد.

فساد در لغت، به معنی تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب، زیان، کینه، دشمنی، ظلم، شرارت، بدکاری،

بیماری، پوسیدگی، اضمحلال، چرک‌شدن عضو، ضدصلاح و به ستم گرفتن مال کسی است. مال در اصطلاح عبارت است از هر چیزی است که دارای ارزش اقتصادی بوده و قابل تبدیل به پول باشد.

فساد در ادبیات لاتین از فعل لاتین "Rumpere" به معنای شکستن است. در حقیقت با تحقق فساد، چیزی میشکند یا نقض میشود، یعنی قاعده‌های از قواعد نظام حکومتی نقض میشود و باعث می‌شود سیستم سیاسی، آسیب ببیند (همدمی خطبه‌سرا، 1387، ص34).

برای اینکه نقض مقررات اداری، فساد تلقی شود، مقررات باید صحیح، دقیق و شفاف باشد و در آنها ابهامی برای تعبیر و تفسیر دولتمردان وجود نداشته باشد. از آنجا که فساد مالی و تخلفات به صورت آشکار و علنی صورت نمیگیرند، بیشتر موارد باید از معلول پی به علت برد.

تعریف موجود از فساد که توسط بانک جهانی، سازمان بین المللی شفافیت مالی و مراجع دیگر ارائه شده، عبارت است از "سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی". تعریف دیگری که توسط برخی پژوهشگران ارائه شده است مقرر میدارد

که فساد مالی، معاملهای بین بازیگران بخش خصوصی و دولتی است که از طریق آن، کالاهای عمومی به طور نامشروع به سودها و منافع خصوصی تبدیل میشود (هایدن هایمر و همکاران، 1989)¹.

این نکته توسط رز-آکرمن (1978) نیز مورد تأکید قرار گرفته است که فساد مالی در نهان و در رگ و پوست بخشهای عمومی و خصوصی وجود دارد.

در تعریف کلاسیک کولین نایه² (1967)، فساد مالی عبارت است از رفتاری که بر اثر نفعطلبی یا قدرت جویی خصوصی اعم از شخصی، خانوادگی یا محفلی، کارکردهای متعارف یک سمت انتخابی یا انتصابی دولتی را منحرف میکند.

ساموئل هانتینگتون³ (1968) یادآور شده است: وقتی فرصتهای سیاسی کمیاب باشد و افراد از ثروت برای دستیابی به قدرت استفاده کنند، فساد به وجود میآید و آنجا که فرصتهای اقتصادی اندک است، اگر قدرت سیاسی برای دستیابی به ثروت به کار رود، فساد مالی اتفاق میافتد.

اصطلاح دیگری که با عنوان فساد مالی، قرابت و سنخیت بیشتری دارد، عبارت "جرم یقهسفیدان" است. ادوین ساترلند، جامعه شناس بزرگ آمریکایی، برای اولین بار در سال 1939 مفهوم و اصطلاحی تحت عنوان جرم یقهسفید طرح کرد و آن را عبارت از "جرمی دانست که فردی مرتکب میشود که در زمان اشتغال خویش از موقعیت اجتماعی بالا و احترام برخوردار است" (همدمی خطبه - سرا، 1387، ص36).

2 4 2 (گونههای فساد⁴

2-4-2) فساد سیاسی

فساد سیاسی رفتار منحرف شده مقامات دولتی از ضوابط و وظایف رسمی خود به دلیل ملاحظات شخصی، حزبی، قومی یا منطقیهای است⁵. به عبارت سادهتر رفتار فسادآمیزی است که در حین تخصیص امکاناتی نظیر بودجه و غیره یا اتخاذ تصمیم -

¹. HEIDENHEIMER & ET AL

². COLIN NYE

³. SAMUEL HUNTINGTON

⁴. رهبر و همکاران، 1381، ص11

⁵. هیوود، فساد سیاسی ترجمه طاهری و بنی هاشمی پژوهشکده مطالعات راهبردی-1381

های سیاسی توسط دولتمردان و رهبران احزاب و تشکلهای سیاسی رخ میدهد.

رز-آکرمن رفتار فسادآمیز یا فعالیتهای فسادآمیزی که در مرحله تهیه بودجه، یعنی در مرحله‌های که تصمیمهای سیاسی حاکم است، صورت میگیرد را فساد سیاسی مینامد. به اعتقاد وی فساد سیاسی هنگامی رخ میدهد که تصمیمگیران سیاسی، به طور مستقل یا از راه تبانی با مقامهای فاسد، به نحوی مسیر منابع دولتی (عمومی) را تغییر دهند که رفاه جامعه کاهش یابد. به عبارت دیگر، فساد سیاسی منابع را از اموری که نهاد قانونگذاری به آنها اختصاص داده است، منحرف میکند.

2-4-2-2) فساد اداری (دیوانسالاری)

فساد اداری، سوءاستفاده از اختیارات و امکانات عمومی توسط کارکنان دولت است. به عبارت دیگر رفتار و فعالیت های فسادآمیزی که در سطح اجرایی توسط کارکنان دولت رخ میدهد، فساد اداری است. رز-آکرمن، رفتار فسادآمیزی را که در مرحله اجرای بودجه که در آن تصمیمهای اقتصادی و اداری وجه غالب دارد رخ میدهد، فساد اداری مینامد.

2-4-2-3) تبعیضگری

تبعیضگری جنبه دیگر فساد است. تبعیضگری مربوط به دولتمردانی است که به منابع عمومی (حکومتی) دسترسی دارند و از قدرت لازم و کافی برای تصمیمگیری در توزیع این منابع و دادن امتیازهای خاص به افراد مشخص برخوردارند. رفتار تبعیضگری اغلب، به نفع نزدیکان خود مانند اعضاء خانواده، طایفه، قبیله، قوم، همکیشان یا همحلیها انجام میشود.

2-4-2-4) رانتجویی

رانتجویی اغلب مترادف با فساد به کار میرود. بخشهای زیادی از این دو مفهوم، همپوشانی دارند. رانتجویی از مفهوم اقتصادی رانت، یعنی عواید افزون بر تمام هزینههای مربوط، مشتق میشود و همان چیزی است که اکثر مردم، آن را سودهای انحصاری میدانند.

2-4-2-5) قومگرایی

قومگرایی عبارت از دادن سمتهای کلیدی به خویشاوند، اقوام یا دوستان بدون در نظر گرفتن شایستگی و لیاقت آنها است.

2-4-2 (6) پارتیبازی

پارتیبازی یک ساز و کار استفاده از قدرت است و در نتیجه آن، خصوصی کردن و توزیع کاملاً تبعیضآمیز منابع دولتی به نفع دوستان، همفکران و همخط هاست. پارتیبازی با فساد مالی رابطه تنگاتنگ دارد، زیرا مستلزم توزیع خلاف و غیر قانونی منابع است. پارتیبازی، ویژگی مقامهای دولتی و مسئولین فاسدی است که به منابع عمومی دسترسی دارند و قدرت لازم را نیز برای تصمیم گیری در توزیع این منابع و دادن امتیازها دارا هستند.

2-4-2 (7) رشوه

رشوه عبارت از وجه نقدی و یا کالایی است که در یک رابطه آلوده و فاسد، داده و گرفته میشود. نفس دادن یا گرفتن رشوه، تخلف است و باید آن را جوهر فساد مالی دانست. اصطلاحات معادل فراوانی برای رشوه از جمله حق و حساب، انعام، حق‌العمل، پولکارچاقکنی، پول شیرینی، حق تسریع، وجود دارد که همه مصادیقی از فساد مالی بر حسب پول یا مزایایی است که به کارکنان مؤسسه‌های خصوصی، مقامهای دولتی و سیاستمداران پرداخت میشود.

2-4-2 (8) اختلاس

اختلاس، برداشت از منابع به وسیله افرادی است که مدیریت این منابع به آنها سپرده شده است. اختلاس هنگامی اتفاق می‌افتد که کارکنان ناسالم اموال کارفرمایان خود یا مقامهای دولتی، منابع عمومی را حیف و میل یا از آن سوءاستفاده میکنند.

2-4-2 (9) تقلب

تقلب یک جرم اقتصادی است که مستلزم نوعی کلاهبرداری، فریب یا دروغ است. تقلب، دستکاری یا ایجاد اختلال در اطلاعات، حقایق و امور کارشناسی از سوی افرادی است که در پی نفع خصوصی خویشند. تقلب هنگامی روی میدهد که یک فرد که مسئولیت اجرای دستور یا انجام وظایف محول از سوی مافوق خود را دارد، جریان اطلاعات را برای منافع شخصی خود

تغییر دهد. نظریه رایج "رئیس-مرئوس" به همین منظور، توسط اقتصاددانان، برای بررسی این پدیده به کار برده میشود. تقلب اصطلاح قانونی و عمومی گستردهای است که دامنه آن از رشوه و اختلاس بیشتر است.

2-4-3) طبقه‌بندی فساد¹

فساد را میتوان به اشکال مختلف طبقه‌بندی نمود. عمده‌ترین طبقه‌بندیهای فساد به شرح زیر میباشد:

الف- طبقه‌بندی فساد بر اساس سطح ملی و فراملی

مبنای این طبقه‌بندی، گستره جغرافیایی وقوع فساد است. برخی از انواع فساد فقط محدود به قلمرو سیاسی یک کشور هستند، مانند ارتکاب اختلاس و ارتشاء در سازمانهای دولتی مستقر در داخل کشور. ولی برخی دیگر از انواع فساد در محدوده قلمرو دو یا چند کشور واقع میشود، مانند پرداخت پورسانت یک شرکت خارجی به یک ایرانی.

ب- طبقه‌بندی فساد به لحاظ موضوعی

بر اساس این نوع طبقه‌بندی، فساد به انواع مختلف قانونی، گمرکی، بانکی، مالیاتی، بورسی، استخدامی، پروژه‌های عمرانی، خصوصیسازی، واگذاری امتیازات و امکانات دولتی، قاچاق دارو، چوب و سایر انواع قاچاق، قراردادهای مختلف بخش دولتی، قضائی، انتظامی و نظارتی و امنیتی، بهداشتی و شهرداریها تقسیم میشود.

ج- طبقه‌بندی بر اساس میزان و حجم فساد

در این نوع از طبقه‌بندی، فساد به دو طبقه تقسیم میشود: طبقه اول، فساد کلان است که با توجه به ارزش پولی مصداق فساد و یا گستره تأثیر آن در اقتصاد و نظام اداری و یا مقایسه آن با سایر مصداق فساد در سطح استانی، ملی، منطقهای یا جهانی و یا موقعیت اشخاصی که مرتکب فساد می‌شوند و یا با ترکیبی از این عوامل تعیین میشود. مانند فساد در طرحها و پروژههای ملی یا فساد در سطوح بالای دولت به معنی عام. طبقه دوم، فساد خرد است که در نقطه مقابل فساد کلان قرار میگیرد.

¹ . برای مطالعه بیشتر، به همدی خطبهراس (1387)، صفحه 40 مراجعه شود.

د - طبقه‌بندی بر اساس موقعیت اشخاصی که مرتکب فساد می‌شوند

بر اساس این طبقه‌بندی، فساد را به هفت گروه می‌توان تقسیم نمود. گروه اول، فساد سیاستمداران است که به دلیل داشتن موقعیتهای مهم و تعیین کننده در احزاب و گروههای سیاسی نفوذ زیادی در دستگاههای اجرایی دارند. این گروه ممکن است جایگاه سازمانی در حکومت نداشته باشند.

گروه دوم، فساد مدیران عالی رتبه دولت است که به دلیل داشتن موقعیت بالای اداری، نقش متمایز در صدور مجوزها یا موافقت با اعطای تسهیلات یا واگذاری پروژههای عمرانی یا اتخاذ تصمیمات نظارتی و قضائی دارند.

این دو گروه فساد را می‌توان فساد سیاسی نامید. البته فساد سیاسی را به استفاده از موقعیت عمومی (شغل، مقام، وظیفه، مسئولیت، کار و اداره) برای منافع شخصی (خصوصی) هم تعریف کرده‌اند.

گروه سوم، فساد مدیران میانی، عملیاتی و ردههای کارشناسی دستگاههای اجرایی است که کمتر با عزل و نصب مدیران عالی رتبه جا به جا میشوند. این گروه به دلیل سابقه طولانی خدمت، به طور معمول با اکثر مشتریان یا طرف های قرارداد یا صاحبان مشاغل ذیربط آشنا هستند. علاوه بر آن به دلیل برخوردار بودن از موقعیت کارشناسی، به طور غیرمستقیم نقش تعیین کنندهای در تصمیمگیریها دارند.

گروه چهارم، کارمندان جزء هستند که در تصمیمگیری نقشی کمی دارند و به طور معمول به علت پایین بودن بیش از حد حقوق و مزایا مرتکب فساد بسیار خرد میشوند، مانند فساد مالی کارکنان بخشهای مختلف دولت در رابطه با قاچاق مواد مخدر در کشورهای آمریکای لاتین و ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از کشورها. این دوگروه فساد را می‌توان فساد اداری نیز نامید.

گروه پنجم، اشخاصی هستند که در یک مقطع زمانی در استخدام سازمانهای دولتی بوده‌اند، ولی در زمان ارتکاب فساد هیچگونه رابطه استخدامی با دولت ندارند، مانند اعمال نفوذهای احتمالی برخی از افراد بازنشسته، باز خرید شده، مستعفی و اخراجی در دستگاههای دولتی.

گروه ششم، اشخاصی هستند که طی خدمت اداری در سازمانهای مختلف دولتی فعالیت و از زمینه آشنایی و نفوذ خود در سازمانهای مذکور سوء استفاده میکنند.

گروه هفتم، اشخاصی هستند که هیچگونه جایگاه سیاسی و اداری ندارند و به طور کامل در قلمرو بخش خصوصی قرار می-گیرند، ولی مرتکب مصادیقی از فساد همچون قاچاق کالا، اخلال در نظام اقتصادی کشور، تحصیل مال از طریق نامشروع، اعمال نفوذ، تخلفات اقتصادی مشمول قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی و رباخواری میشوند.

ه - طبقه‌بندی بر اساس انگیزه ارتکاب فساد

بر اساس این طبقه‌بندی فساد به هفت دسته تقسیم میشود. دسته اول، ارتکاب فساد با انگیزه سیاسی است که با قصد مقابله، ناکارآمد نشان دادن یا ساقط کردن نظام سیاسی یا بخشی از آن یا سرنگونی یک حزب و گروه سیاسی صورت میگیرد. البته بر عکس این نیت هم امکانپذیر است، مانند ارتکاب فساد به قصد کمک به یک حزب.

دسته دوم، ارتکاب فساد با انگیزه‌های صرفاً اقتصادی است، که در این صورت، ارتکاب فساد با نیت رفع نیازهای ضروری زندگی یا تکاثر ثروت صورت میگیرد.

دسته سوم، فساد با انگیزه صرفاً فرهنگی است که در این شکل، شخص به دلیل اعتقاد به ایدئولوژی، مسلک، مرام، مذهب یا وابستگی به خرده فرهنگی، به نفع آنها مرتکب فساد میشود.

دسته چهارم، ارتکاب فساد با انگیزه صرف اجتماعی است که در این صورت، شخص به دلیل وابستگی به یکی از طبقات جامعه یا داشتن پایگاه اجتماعی ویژه یا به علت وابستگی نسبی و سببی یا اشتراک جغرافیایی مانند همشهری بودن، مرتکب فساد مالی میشود.

دسته پنجم، ارتکاب فساد با انگیزه تأمین هزینه اعمال غیر اخلاقی است.

دسته ششم، ارتکاب فساد با انگیزه اداری است که در این نوع، فرد برای تحقق بخشیدن به اهداف سازمان یا اهداف نظام حکومتی، با نادیده گرفتن مقررات دست و پاگیر یا قوانین و مقرراتی که بدون کار کارشناسی یا با کار کارشناسی کمتر و